

۳ زنگ خطر در کافه گردی دختران نوجوان

سه نشانه مهم وجود دارد که می‌تواند نشان دهد کافه گردی دیگر صرفاً یک تفریح عادی نیست و به توجه بیشتری نیاز دارد:

وابستگی مالی و زمانی افراطی

وقتی بخش زیادی از زمان یا هزینه نوجوان صرف کافه رفتن می‌شود و این موضوع از حالت معمول خارج می‌شود.

تغییر شدید خلق و خو پس از کافه

اگر حال روحی نوجوان بعد از کافه رفتن به شکل محسوسی تغییر کند، این موضوع می‌تواند نیازمند توجه بیشتر باشد.

اجتناب از هر فضای دیگر

اگر نوجوان ترجیح دهد تقریباً تمام وقت خود را در کافه بگذراند و از حضور در خانه، مدرسه یا سایر فضاها دوری کند، بهتر است این رفتار با دقت بیشتری بررسی شود.

با کافه گردی دختران چه برخوردی داشته باشیم؟

نسل دهه ۸۰ و ۹۰ در شهری مثل مشهد با گسترش فضاها، دسترسی به اینترنت و تغییر الگوی تفریح، به طور طبیعی به سمت فضاها، نیمه عمومی مانند کافه کشیده شده‌اند.

فرصت

اگر جامعه و نهادهای فرهنگی، کافه را به مثابه «پایگاهی برای گفت‌وگوهای سازنده» ببینند، می‌توانند از این ظرفیت برای برگزاری نشست‌های کتاب‌خوانی، کارگاه‌های مهارت‌آموزی یا حتی مشاوره‌های گروهی استفاده کنند.

تهدید

تنها در صورتی تهدید جدی محسوب می‌شود که به بستری برای روابط ناسالم، مصرف مواد، یا فرار از واقعیت تبدیل شود.

توانمند سازی به جای حذف

باید «ماهیت» و «کیفیت» حضور نوجوانان در این فضاها را مدیریت کنیم. کافه گردی، آینه‌ای است که هم نیازهای جدید نسل را نشان می‌دهد و هم کاستی‌های فضای خانه و مدرسه را بازتاب می‌دهد. بهترین سیاست، «توانمندسازی» نوجوان برای انتخاب آگاهانه است، نه حذف گزینه‌ها از پیش روی او.

به همین دلیل، عکس گرفتن از کافه، نوشیدنی یا میز دوستان فقط ثبت یک تصویر نیست؛ می‌تواند راهی برای تأیید گرفتن، دیده شدن یا نشان دادن سبک زندگی باشد. در واقع، تجربه کافه رفتن برای بعضی از آن‌ها وقتی بایست و به اشتراک گذاشتن آن همراه می‌شود، معنای بیشتری پیدامی‌کند.

اگر قرار نبود کسی عکس کافه را ببیند، باز هم دهه هشتادی‌ها کافه می‌رفتند؟

پاسخ صادقانه این است که تعداد و دفعات کاهش می‌یافت، اما اصل نیاز باقی می‌ماند. کافه گردی امروز می‌تواند یک «عمل اجرایی» باشد؛ یعنی فرد فقط به کافه نمی‌رود، بلکه با انتخاب هایش تصویری از خودش برای دیگران می‌سازد. دختران با انتخاب یک کافه خاص، فیلتر عکس، نوع ژست و حتی نحوه ثبت و انتشار تصاویر در حال «روایت‌سازی» از خود هستند.

در واقع، این انتخاب‌ها می‌توانند بخشی از هویت اجتماعی آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی را شکل دهند و تصویری را که می‌خواهند دیگران از سبک زندگی و شخصیتشان ببینند، منتقل کنند. تقریباً ۱۰۰ درصد نوجوانی دوره «خودنمایی» از طریق اشیاء است. انتخاب یک کافه خاص پیامی درباره سلیقه هنری اوست. نوشیدنی‌های خاص نشان دهنده مدرن بودن است. حتی انتخاب میز کنار پنجره یا گوشه تاریک، پیامی درباره «برون‌گرا» یا «درون‌گرا» بودن می‌دهد. این انتخاب‌ها، زبان غیرکلامی او برای معرفی خود به همسالان و حتی به خودش است.

چرا بعضی دختران در کافه بیشتر از خانه احساس آزادی می‌کنند؟

چون در خانه، حتی در اتاق شخصی‌شان، ممکن است صدای والدین، انتظارات فرهنگی یا خاطرات تنش‌زای خانوادگی وجود داشته باشد. در کافه: قضاوت گرها غایب هستند (یا حداقل ناشناس). قوانین شفاف و ساده است (پول بده، بنشین، برو) در واقع استقلال عملی دارند.

والدین با این چالش چگونه رفتار کنند؟

والدین بهترین راه برای «همراهی» هوشمندانه، نه برخورد سلبی و ممنوعیت‌های مستقیم، هدف این است که والدین به جای ایجاد فاصله، بتوانند ارتباط و اعتماد خود را با نوجوان حفظ کنند. اولین قدم، گفت‌وگوی کنجکاوانه و نه بازجویانه است. به جای سؤال‌هایی مثل «با کی رفتی؟» می‌توان پرسید: «چرا این کافه را دوست داری؟ آنجا چه حسی به تو دست می‌دهد؟» این نوع گفت‌وگو کمک می‌کند نوجوان راحت‌تر درباره تجربه و علاقه‌اش صحبت کند. مشارکت گاه به گاه هم می‌تواند مفید باشد. والدین حتی می‌توانند بعضی وقت‌ها پیشنهاد بدهند: «بیا این هفته من شما را به کافه ببرم، شما راهنمای من باش». این کار می‌تواند به جای تقابل، رابطه‌ای دوستانه‌تر ایجاد کند. از طرف دیگر، بهتر است مرزهای مالی و زمانی شفاف باشند. به جای اینکه صرفاً گفته شود «کافه نرو»، می‌توان چارچوب مشخصی تعیین کرد: مثلاً ماهی یک بار، هر بار حداکثر سه ساعت و با بودجه مشخص. در نهایت، شناخت دوستان از شناخت صرف مکان مهم‌تر است. والدین باید بدانند نوجوان نشان بیشتر از اینکه کجا می‌رود، با چه کسانی وقت می‌گذراند و چه رابطه‌ای با آن‌ها دارد.

مرز میان نظارت والدین و محدود کردن استقلال کجاست؟

مرز طلایی، «نظارت غیرمستقیم» با حفظ کرامت، نام دارد. نظارت سالم یعنی والدین بدانند فرزندشان به کدام کافه رفته، با چه کسی است و در چه ساعتی بازمی‌گردد، اما می‌توانند چندان وارد جزئیات نشوند تا نوجوان احساس کنترل شدن نداشته باشد.

ممنوعیت کافه رفتن می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد؟

بله، و این موضوع در روان‌شناسی نوجوان اهمیت زیادی دارد. ممنوعیت مطلق می‌تواند به جای حل مسئله، پیامدهای دیگری ایجاد کند. اول، اثر منع اتفاق می‌افتد؛ یعنی چیزی که ممنوع می‌شود، ممکن است برای نوجوان جذاب‌تر شود. دوم، اعتماد میان نوجوان و والدین آسیب می‌بیند و نوجوان ممکن است والدین را در مقابل خواسته‌های خودش ببیند و از نظر عاطفی از آن‌ها فاصله بگیرد. سوم، احتمال پنهان کاری بیشتر می‌شود. اگر کافه رفتن کاملاً ممنوع شود، ممکن است نوجوان به جای کنار گذاشتن آن، به کافه‌های دورتر برود یا برای رفتنش دروغ بگوید؛ شرایطی که می‌تواند خطرهای بیشتری به همراه داشته باشد. بنابراین بهتر است به جای ممنوعیت کامل، «مدیریت» و «قرارداد» را جایگزین کنیم؛ یعنی والدین و نوجوان درباره زمان، هزینه، دوستان و حدود رفت و آمد به توافقی روشن برسند.